

روابط حقوقی طرفین اعتبارات اسنادی

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۱۱/۶

تاریخ تأیید: ۱۳۸۷/۱/۲۲

رحمان عمروانی*

۱۵۷

فقه و حقوق / سال چهارم / شماره ۱۶ / بهار ۱۳۸۷

چکیده

به دنبال گسترش روزافزون معاملات تجاری بین‌المللی و آشکار شدن اهمیت اعتبارات اسنادی در معاملات بین‌المللی به عنوان یکی از روش‌های مناسب پرداخت، این مقاله بر آن است تا نگاهی به این نهاد حقوقی داشته باشد که زاده تحولات اقتصادی و تجاری جامعه جهانی است. در هر رابطه اسنادی، وجود سه طرف شامل: متقاضی، ذی‌نفع و بانک صادرکننده (بانک گشایش‌دهنده اعتبار) ضروریست. با وجود این، در بعضی موارد، بانک ثالثی با عنوان بانک کارگزار که نقش‌های متفاوتی می‌تواند ایفا کند، ممکن است در این رابطه وجود داشته باشد. هدف اصلی این تحقیق بررسی روابط حقوقی این اشخاص با یکدیگر است.

واژگان کلیدی: اعتبار اسنادی، بانک صادرکننده اعتبار (بانک گشایش‌دهنده اعتبار)، متقاضی، ذی‌نفع، بانک ابلاغ‌کننده، بانک تأییدکننده، بانک وصول‌کننده.

* کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی (amrevani@yahoo.com).

مقدمه

امروزه بانک‌ها نقش بسیار مهمی در تسهیل مراودات و معاملات تجاری داخلی و بین‌المللی دارند. خصوصاً در صحنه تجارت بین‌الملل، به جرأت می‌توان ادعا کرد که کمتر معامله یا قرارداد بین‌المللی است که بدون مداخله و مساعدت بانک‌ها امکان انعقاد و اجرای آن وجود داشته باشد. ابداع و استفاده از ابزارهای مختلف بانکی از قبیل اعتبارات اسنادی و ضمانت‌نامه‌های بانکی، بسیاری از مشکلات ناشی از بُعد مسافت و عدم تماس مستقیم بین بازرگانان بین‌المللی را حل کرده است. تدوین مقررات متحدالشکل مختلف در مورد عملیات عمده بانکداری بین‌المللی، مانند مقررات مربوط به اعتبارات اسنادی، ضمانت‌نامه‌ها و اسناد وصولی توسط اتاق تجارت بین‌المللی و تعیین حدود و ثغور مسئولیت بانک‌ها، از جمله تمهیداتی است که جهت تسهیل معاملات بین‌المللی اتخاذ شده است. پس از تدوین چنین مقرراتی، اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) تصمیم گرفت مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP) را با توجه به تحولات موجود در آن زمان تجدیدنظر کند و نسخه جدیدی از این مقررات را در نشریه شماره ۵۰۰ خود در سال ۱۹۹۳ منتشر کرد و بالأخره، در سال ۲۰۰۷ میلادی، نسخه UCP 600 نیز لازم‌الاجرا شد.

همان‌طور که بیان شد، هدف اصلی این مقاله، بررسی روابط حقوقی طرفین اعتبارات اسنادی است، ولی به‌منظور آشنایی اندک با اعتبارات اسنادی، ارائه کلیاتی مختصر در آن خصوص، ضروری به‌نظر می‌رسد. بنابراین، این تحقیق از دو قسمت تشکیل شده است که در بخش اول، به بررسی کلیاتی در خصوص اعتبارات اسنادی پرداخته‌ایم و پس از ارائه تعریفی از اعتبارات اسنادی، مسائلی از قبیل: شیوه‌های پرداخت در تجارت بین‌الملل، انواع اعتبارات اسنادی، فواید اعتبارات اسنادی و طرفین اعتبار اسنادی را بررسی کرده‌ایم و در قسمت دوم، در ضمن چهار بخش، به بررسی روابط حقوقی طرفین اعتبار اسنادی خواهیم پرداخت. در گفتار اول، از روابط حقوقی بین متقاضی و ذی‌نفع بحث کرده‌ایم و در گفتار دوم، به روابط حقوقی بانک صادرکننده و متقاضی پرداخته‌ایم. در گفتار سوم نیز، روابط ذی‌نفع با بانک‌ها را بررسی کرده و نهایتاً در گفتار چهارم، در حد توان ناچیز خویش، از روابط فی‌مابین بانک‌ها سخن به‌میان آورده‌ایم.

الف. کلیات

الف - ۱. تعریف اعتبارات اسنادی

اعتبار اسنادی عبارت است از: «تعهد یک بانک یا هر شخص دیگر بنا به تقاضای دستوردهنده، مبنی بر اینکه به‌عنوان صادرکننده، بروات یا سایر مطالبه‌های ذی‌نفع را به‌شرط تطبیق آنها با شرایط مقرر در اعتبار پرداخت کند» (ریچارد جی، ۱۳۶۳: ۱۲۳). به‌رغم آنکه در تعریف مذکور «شخص دیگر» غیر از بانک قید شده است، ولی در عمل، کمتر ملاحظه می‌شود که صادرکننده اعتبار اسنادی، غیر از بانک باشد.

همچنین در تعریف اعتبارات اسنادی اینگونه بیان شده است: «سند یا قراردادی است که به‌موجب آن، بانک خریدار یا صادرکننده اعتبار بنا به تقاضای خریدار، بانک دیگری را به نام بانک کارگزار، مأمور می‌کند تا پس از تسلیم اسناد وی از طرف فروشنده به بانک در طی مدت معین، مبلغ اعتبار، بروات یا سایر حقوق و مطالبات ذی‌نفع را طبق شرایط مقرر در اعتبار اسنادی پرداخت کند» (سازمان صنایع ملی ایران، ۱۳۶۱: ۵۲). این تعریف نیز از آن جهت که فقط پرداخت توسط بانک کارگزار را پیش‌بینی کرده است و در مورد خود بانک صادرکننده ساکت است، قابل ایراد به‌نظر می‌رسد.

مطابق ماده ۲ مقررات متحدالشکل UCP:

از دیدگاه این مقررات، اصطلاحات «اعتبارات اسنادی» و «اعتبار اسنادی ضمانتی» به‌معنای هرگونه ترتیبی، تحت هر نام یا توصیفی است که به‌وسیله آن، یک بانک، به درخواست و طبق دستورات یک مشتری (متقاضی) یا از طرف خود، در مقابل ارائه سند (اسناد) معین و به‌شرط رعایت شرایط و ضوابط اعتبار موظف است: ۱. پرداختی را به شخص ثالث یا به حواله کرد او (ذی‌نفع) انجام دهد یا بروات صادره از طرف ذی‌نفع را قبول کند؛ ۲. بانک دیگری را مجاز دارد تا این پرداخت را انجام دهد، یا بروات مذکور را قبولی‌نویسی کند یا پردازد؛ ۳. بانک دیگری را مجاز به انجام معامله گرداند. از دیدگاه این مقررات، شعبات یک بانک در کشورهای مختلف «بانک دیگر» محسوب می‌شوند.

الف - ۲. شیوه‌های پرداخت در تجارت بین‌الملل

در یک معامله و بیع داخلی معمولاً طرفین به یکدیگر دسترسی دارند و از آنجا که طرفین در یک کشور واحد زندگی می‌کنند و تابع یک کشور هستند، معمولاً در

پرداخت‌ها مشکلات کمتری نسبت به معاملات بین‌المللی به‌وجود می‌آید. در معاملات بین‌المللی به دلیل بُعد مسافت، عدم آشنایی طرفین با یکدیگر، عدم وجود پول واحد، مقررات مختلف و... معمولاً کمتر اتفاق می‌افتد که از پرداخت مستقیم استفاده شود. یکی از موارد و موضوعات مهمی که در قراردادهای تجاری منعقد بین خریدار و فروشنده باید به‌وضوح مشخص شود، روش و نحوه پرداخت وجه توسط خریدار به فروشنده است. در تجارت بین‌الملل، پرداخت وجه کالا به اشکال زیر قابل اقدام است (فراهانی، ۱۳۸۳: ۴۸):

۱. تجارت حساب باز؛ ۲. پیش‌پرداخت؛ ۳. وصولی؛ ۴. اعتبار اسنادی.

تجارت حساب باز (open account trade)

از این روش در عرف بازرگانی خارجی کشورمان، با عنوان «روش امانی» یاد می‌شود. این روش پرداخت که در تجارت خارجی در مقایسه با روش‌های دیگر، صددرصد به نفع خریدار است، روشی است که در آن فروشنده کالا به خریدار اعتماد و اطمینان کامل دارد و از لحاظ وصول وجه کالای ارسالی، نگرانی ندارد. بنابراین، فروشنده، کالا را برای خریدار ارسال می‌کند تا خریدار در ترخیص کالا از گمرک با مشکلی مواجه نشود. خریدار پس از ترخیص کالا و فروش آن، ارزش را به ترتیبی که فروشنده تعیین می‌کند، واریز خواهد کرد. بدین ترتیب، خریدار فرصت کافی برای فروش کالا و سپس ارسال وجه آن را به فروشنده خواهد داشت. این روش معمولاً بین شرکت مادر و دفاتر نمایندگی آن در کشورهای گوناگون که کنترل ارزی در نظام ارزی آن حاکم نیست، کاربرد دارد.

پیش‌پرداخت (full advance Payment)

پیش‌پرداخت در تجارت خارجی دقیقاً نقطه مقابل روش امانی یا حساب باز است. این روش، صددرصد به نفع فروشنده است و چنانچه در قراردادهای تجاری از آن استفاده شود، ریسک خریدار بسیار بالا و ریسک فروشنده از نقطه نظر وصول وجه، صفر است. این روش که خریدار، وجه کالا را در زمان حال، به‌منظور تحویل کالا در آینده پرداخت می‌کند، در عرف تجارت کشورمان به روش بدون انتقال ارزش نیز مشهور است. بدیهی است اطلاق بدون انتقال ارزش در این خصوص، یک غلط مصطلح است.

برای اینکه در این روش ریسک خریدار پوشش داده شود، پیشنهاد می‌شود پرداخت وجه به فروشنده، مشروط و موقوف به دریافت ضمانت‌نامه بانکی معتبر بدون قید و شرط شود.

وصول اسنادی (collection)

این روش تحت عنوان روش براتی نیز یاد می‌شود. در این روش، فروشنده به خریدار اطمینان دارد و با ارسال کالا برای خریدار، اسناد حمل و برات را نیز به‌طور مستقیم و یا از طریق بانک برای او ارسال می‌دارد. روش وصولی، در مقایسه با پیش‌پرداخت و اعتبار اسنادی، بیشتر به نفع خریدار است تا فروشنده، هرچند اگر با روش حساب باز مقایسه شود، فروشنده در وضعیت بهتری قرار دارد.

برات ممکن است نقد یا مدت‌دار (نسیه) باشد. در برات دیداری یا نقد بانک کارگزار، براساس دستورات فروشنده در فرم وصول، زمانی اسناد را در اختیار خریدار قرار می‌دهد که خریدار، وجه آن را پرداخت کرده باشد. در برات مدت‌دار، بانک کارگزار، زمانی اسناد را در اختیار خریدار قرار می‌دهد که خریدار نسبت به قبولی نویسی برات مدت‌دار اقدام کرده باشد.

اعتبار اسنادی (documentary credit)

اعتبار اسنادی، تکنیک رد و بدل کردن پول کالاها یا خدمات براساس اسناد توسط بانک است. دو بازرگان در دو کشور دور از یکدیگر که آشنایی با وضع و حال یکدیگر ندارند، با واسطه دو بانک — یکی بانک طرف واردکننده و دیگری، بانک کشور صادرکننده — وارد معامله می‌شوند و بانک‌های مذکور، حُسن جریان معامله یعنی پرداخت بهای کالاهای خریداری شده و نیز ترتیب حمل صحیح آنها را از کشور مبدأ به کشور مقصد تضمین می‌کنند.

از آنجا که در سال‌های اخیر، بخش قابل ملاحظه‌ای از خرید و واردات قطعی کالا به کشورمان در قالب اعتبار اسنادی صورت پذیرفته است، در این مقاله به توضیح انجام معاملات از طریق اعتبارات اسنادی می‌پردازیم.

از آنجا که چک، وسیله پرداخت نقدی و حال می‌باشد، در معاملات بین‌المللی کمتر استفاده می‌شود، زیرا معاملات تجاری اصولاً مؤجل هستند و کمتر تاجری حاضر به قبول معاملات نقدی می‌شود. در عین حال در مواردی ممکن است طرفین از برات و سفته برای پرداخت استفاده کنند و این امر معمولاً در معاملاتی مصداق دارد که طرفین با یکدیگر سوابق معاملاتی داشته و به یکدیگر اعتماد کافی داشته باشند. اما گذشته از روش‌های پیش‌گفته که در تجارت بین‌الملل طرفداران زیادی ندارد، استفاده از اعتبارات اسنادی به‌عنوان روش پرداخت در معاملات بین‌المللی، روز به روز اهمیت و فواید خود را آشکارتر می‌سازد. استفاده از اعتبار اسنادی، با خواسته‌های طرفین قرارداد سازگار است، زیرا خریدار معمولاً حاضر نیست قبل از تحویل کالا، بهای آن را پردازد و از طرفی، فروشنده نیز حاضر نیست قبل از اخذ وجه، کالا را تحویل خریدار دهد و اعتبارات اسنادی پاسخگوی این خواسته‌هاست، زیرا خریدار، در واقع زمانی بهای کالا را توسط بانک می‌پردازد که فروشنده، کالاها را ارسال کند و اسناد آن را تحویل بانک دهد و از طرفی، فروشنده نیز مطمئن است که پس از ارسال کالا و تسلیم اسناد لازم مطابق شرایط مقرر در قرارداد، به ثمن و مطالبات خود خواهد رسید. بنابراین، به‌رغم اینکه طرفین معاملات بین‌المللی با یکدیگر آشنایی ندارند، ولی با استفاده از اعتبارات اسنادی اطمینان حاصل می‌کنند که به خواسته خود که همانا عوض و معوض و سایر مطالبات است، خواهند رسید و بدین جهت، امروزه اعتبار اسنادی به‌عنوان رایج‌ترین و مناسب‌ترین روش پرداخت در معاملات بین‌المللی به‌شمار می‌رود.

الف - ۳. انواع اعتبارات اسنادی

اعتبار اسنادی را می‌توان به انواع گوناگونی تقسیم‌بندی کرد که هر کدام از آنها در معاملات مختلف و حسب نیاز بازرگانان، استفاده می‌شود. انواع اعتبارات اسنادی را می‌توان به‌صورت ذیل نام برد:

- اعتبار برگشت‌پذیر و اعتبار برگشت‌ناپذیر (ماده ۶ مقررات متحدالشکل UCP)؛
- اعتبار تأیید شده و اعتبار تأیید نشده؛
- اعتبار قابل ظهرنویسی و اعتبار غیرقابل ظهرنویسی؛
- اعتبار قابل انتقال و اعتبار غیرقابل انتقال؛

- اعتبار اسنادی متقابل؛

- اعتبار اسنادی گردان؛

- اعتبار با شرط قرمز (قابل پیش‌پرداخت) و....

به‌واسطه رعایت اختصار و دور نشدن از موضوع اصلی مقاله، از توضیح انواع اعتبارات پیش‌گفته خودداری می‌کنیم و علاقه‌مندان را به منابع موجود، ارجاع می‌دهیم (آقایی فر، ۱۳۷۷: ۲۶-۲۲ و سماواتی، ۱۳۸۲: ۱۳۴-۱۱۶).

الف - ۴. فواید اعتبارات اسنادی

مهمترین فواید و اهداف استفاده از اعتبارات اسنادی را می‌توان در سه مورد ذیل خلاصه کرد (Andreas Karl, 2004: 16):

۱. اعتبار اسنادی به‌عنوان روش مناسب پرداخت: از مهمترین کارکردهای اعتبار اسنادی آن است که به‌عنوان روشی مناسب برای پرداخت از آن استفاده می‌شود. زیرا همان‌طور که بیان شد، در معاملات بین‌المللی به دلیل بُعد مسافت، عدم آشنایی طرفین با یکدیگر، عدم وجود پول واحد، مقررات مختلف، مشکلات ناشی از اختلافات احتمالی و... معمولاً شرایطی متفاوت با روابط معاملات داخلی حاکم است. این تفاوت‌ها، در حوزه پرداخت نیز مؤثر واقع شده و شکل خاصی به شیوه‌های پرداخت در تجارت بین‌المللی داده است. معاملات تجاری، علی‌القائده به‌صورت غیرنقد منعقد می‌شوند؛ بنابراین، از چک که در اکثر کشورها وسیله پرداخت نقدی است، نمی‌توان استفاده کرد. برات و سفته نیز به‌واسطه آنکه ممکن است خریدار، در مقابل دارنده با حُسن نیت، مجبور به پرداختی شود که در ازای آن چیزی دریافت نکند و دچار مشکلات ناشی از اقامه دعوا در کشور محل اقامت خوانده شود، چندان با استقبال مواجه نشده است. بنابراین اعتبارات اسنادی، در میان سایر روش‌های پرداخت، به بهترین نحو ممکن پاسخگوی نیازهای سرعت در تجارت، کاهش اختلافات و دعاوی ناشی از عدم وصول، کاهش تأثیر بُعد مسافت و عدم آشنایی طرفین با یکدیگر و... است.

۲. اعتبار اسنادی به‌عنوان وسیله تحصیل اعتبار: خریدار برای خرید کالای مورد نیاز خود احتیاج به تحصیل اعتبار دارد و از طرفی، فروشنده نیز برای تهیه اجناس خود به اعتبار نیازمند است. در این میان، بانک صادرکننده اعتبار با گشایش اعتبار به درخواست

خریدار و به نفع ذی نفع (فروشنده)، اعتبار پیش گفته را برای طرفین فراهم می کند. به این شکل که خریدار، با دستور گشایش اعتبار می تواند کالاهای مورد نیاز خود را تهیه کند و در زمان بازپرداخت آن به بانک، مطالبات بانک را از محل وجوه حاصل از فروش آن کالاها بپردازد و بدین ترتیب به حیات تجاری و فعالیت تجاری خود ادامه دهد. از طرفی، ذی نفع (فروشنده) نیز با اطمینان از اینکه در صورت ارائه اسناد می تواند وجوه مربوطه را وصول کند، می تواند برای تاریخ مذکور، تعهداتی نماید و در تاریخ پیش گفته، به آنها عمل کند. بنابراین، صرف نظر از آنکه اعتبارات اسنادی به واسطه تأمین سرعت، کاهش دعاوی، اعمال نوعی حق حبس و... وسیله ای مناسب برای پرداخت هستند، به علاوه وسیله ای مناسب جهت تحصیل اعتباری است که نقشی اساسی در تجارت را ایفا می کند.

۳. اعتبار اسنادی به عنوان اعمال نوعی حق حبس: خریدار و فروشنده هیچ آشنایی با یکدیگر ندارند و هیچ اعتمادی بین آنها وجود ندارد. فروشنده در معاملات بین المللی احتیاج به حصول اطمینان از پرداخت توسط خریدار دارد و خریدار نیز به تضمیناتی برای ارسال و تحویل کالا نیاز دارد. به عبارت دیگر، خریدار تمایلی به پرداخت ثمن قبل از تحویل مبیع ندارد و از طرفی، فروشنده نیز تمایل ندارد که کالا را قبل از دریافت ثمن تحویل خریدار دهد. بنابراین، به وسیله اعتبار اسنادی، خریدار اطمینان حاصل می کند که فروشنده تنها در صورتی ثمن را دریافت می کند که ارسال کالا را از طریق ارائه اسناد و مدارک مقرر در قرارداد به بانک کارگزار، که بیان گر نوع، مقدار، وصف و ارزش کالا است، ثابت کند. از طرف دیگر، فروشنده نیز اطمینان حاصل می کند که در صورت ارسال کالا و ارائه اسناد مطابق شرایط مقرر، وجه را وصول خواهد کرد. بنابراین، اعتبارات اسنادی تضمینات لازم برای طرفین را فراهم آورده و گویا طرفین از این طریق با اعمال نوعی از حق حبس، از دریافت عوض قراردادی اطمینان عرفی حاصل می کنند. ممکن است چنین ایراد شود که تا فروشنده بارنامه را تهیه نکرده باشد، حق دریافت وجه را نخواهد داشت و از طرفی تهیه بارنامه مستلزم ارسال کالا است، حال چگونه می توان برای فروشنده حق حبس قائل شد. در پاسخ باید گفت: همان طور که در موارد حق حبس، گاهی

طرفین در خصوص اینکه چه کسی باید بدو مال را تحویل دهد، اختلاف دارند و در نهایت، هر دو طرف مال را به شخص ثالث می‌سپارند تا بین آنها رد و بدل کند، اعتبارات اسنادی را نیز می‌توان به چنین وضعیتی تشبیه کرد. زیرا، در اینجا نیز فروشنده کالا را به متصدی حمل و نقل تحویل می‌دهد و خریدار نیز ثمن یا اعتباری معادل آن را در اختیار بانک صادرکننده می‌گذارد تا کالا و ثمن بین طرفین رد و بدل شود. به طور مسلم، با تحویل بارنامه به بانک، فروشنده دیگر حق مسترد کردن کالای در حال حمل را نخواهد داشت و از طرفی، تعهد بانک صادرکننده مبنی بر پرداخت مبلغ اعتبار به ارائه‌دهنده مدارک، غیرقابل فسخ و مصون از هرگونه ایراد است. بدین ترتیب، از طریق اعتبارات اسنادی، نوعی از حق حبس برای طرفین ایجاد می‌شود.

الف - ۵. طرفین اعتبارات اسنادی

هر معامله اعتبار اسنادی نوعاً دارای سه طرف می‌باشد:

۱. **دستوردهنده یا مشتری یا متقاضی (customer):** کسی که از بانک، تقاضای گشایش اعتبار را کرده است.
 ۲. **صادرکننده (issuer) یا بانک گشایش‌دهنده اعتبار:** بانکی که اعتبار را صادر و گشایش کرده است.
 ۳. **ذی‌نفع یا فروشنده (beneficiary):** کسی که مطابق شرایط اعتبار، حق صدور برات یا مطالبه وجه را دارد.
- بنابراین، در بعضی موارد ممکن است بانک ثالثی تحت عنوان بانک کارگزار در این روابط نقش داشته باشد و وظایفی از قبیل ابلاغ، تأیید، وصول، و... را به‌عهده گیرد که در بخش دوم به تفصیل، از روابط حقوقی این افراد با یکدیگر بحث خواهیم کرد.

ب. روابط حقوقی طرفین اعتبارات اسنادی

در این بخش در ضمن چهار مبحث، به ترتیب به بررسی رابطه متقاضی و ذی‌نفع، رابطه متقاضی و بانک صادرکننده، رابطه ذی‌نفع با بانک‌ها و در نهایت، به بررسی روابط حقوقی بین بانک‌ها با یکدیگر خواهیم پرداخت.

ب-۱. رابطه متقاضی و ذی نفع

برای بررسی رابطه حقوقی بین متقاضی (خریدار) و ذی نفع (فروشنده) باید قرارداد پایه را بررسی کنیم. قرارداد پایه قراردادی است که ضمن آن، شرط می شود با شرایط خاصی و ظرف مدت خاصی اعتبار گشایش شود. الزام به گشایش اعتبار اسنادی، از قرارداد پایه ناشی می شود. خریدار و فروشنده که در فرض ما طرفین یک قرارداد بین المللی هستند، در قرارداد خود توافق می کنند که پرداخت ثمن از طریق اعتبار اسنادی صورت گیرد و علاوه بر آن، نوع اعتبار از نظر تأیید شده یا قابل برگشت و قابل انتقال بودن یا نبودن را در قرارداد مشخص می کنند.

همچنین، در قرارداد پایه محل گشایش و افتتاح اعتبار، محل ابلاغ، محل تأیید و زمان گشایش اعتبار، مدت زمان قابل استفاده بودن و نیز اسنادی را که در مقابل آنها پرداخت صورت می گیرد، باید پیش بینی کرد و هیچ ابهامی باقی نگذارد. بنابراین، ملاحظه می شود که قرارداد پایه - که منشأ اعتبار اسنادی بوده است - عمده حقوق و تکالیف متقاضی و ذی نفع را معین می کند. از نظر نوع شرط مذکور (صفت، فعل و نتیجه)، شرط گشایش اعتبار را باید از نوع شرط فعل ناظر به انجام عمل حقوقی گشایش اعتبار بدانیم. ممکن است ادعا شود که به استناد ماده ۵۴ کنوانسیون بیع بین المللی ۱۹۸۰، تعهد به گشایش اعتبار اسنادی نه از شرط، بلکه به طور مستقیم از خود عقد بیع ناشی می شود و جزء تعهدات اصلی مشتری در بیع است. اما باید توجه داشت که آنچه به طور مستقیم از بیع ناشی می شود تعهد به پرداخت ثمن است، ولی وسیله و نحوه پرداخت، با توافق طرفین مشخص می شود. حتی در جایی که طرفین در این خصوص توافقی نکرده باشند و در مقابل عرف مسلم بر پرداخت از طریق اعتبارات اسنادی وجود داشته باشد، در این حالت نیز گشایش اعتبار و پرداخت از طریق اعتبارات اسنادی نه به عنوان اثر اصلی و مستقیم عقد، بلکه ناشی از توافق و شرط ضمنی طرفین بر عرف موجود است. ماده ۵۴ کنوانسیون بیع بین المللی ۱۹۸۰ بیان می دارد: «تعهدات خریدار دایر بر تأدیه ثمن، شامل اقدامات و رعایت تشریفات است که بر حسب قرارداد یا هر نوع قانون یا مقررات دیگر، برای امکان تأدیه ثمن لازم دانسته شود» (www.jus.uio.no/sisu). این اقدامات و تشریفات بیشتر جنبه تجاری دارند تا اداری، مانند: قبول برات، گشایش اعتبار

اسنادی، اخذ ضمانت‌نامه بانکی. از جمله اقدامات اداری نیز می‌توان اخذ مجوز برای تبدیل و انتقال ارز را نام برد. نسبت به اقداماتی که جنبه تجاری دارند، تعهد خریدار تعهد به نتیجه و در خصوص اقداماتی که جنبه اداری دارند، تعهد وی تعهد به وسیله است (صفایی و دیگران، ۱۳۸۴: ۳۰۷، ش ۲۲۲).

امروزه به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده بین حقوقدانان مرسوم است که گفته می‌شود اعتبار اسنادی از قرارداد پایه مستقل است. ماده ۳ مقررات متحدالشکل UCP 500 مقرر می‌دارد: اعتبارات، ماهیتاً معاملاتی جدا از قرارداد فروش یا قراردادهای دیگری هستند که این اعتبارات براساس آنها گشایش می‌یابد و بانک‌ها به هیچ‌وجه به این قراردادهای کاری نداشته و از این بابت تعهدی برای آنها ایجاد نمی‌شود، حتی اگر در اعتبار هرگونه اشاره‌ای به این قراردادهای پایه شده باشد. در نتیجه تعهد یک بانک به پرداخت، قبولی نویسی و پرداخت برات یا معامله و یا انجام هرگونه تعهدی دیگر طبق اعتبار، مستقل از ادعاها و یا دفاعیات متقاضی، ناشی از روابط وی با بانک صادرکننده یا ذی‌نفع خواهد بود. ذی‌نفع در هیچ موردی نمی‌تواند از بابت روابط قراردادی موجود میان بانک‌ها یا میان متقاضی و بانک صادرکننده حقی برای خود قائل شود.*

بنابراین، رابطه متقاضی (خریدار) و ذی‌نفع (فروشنده) در واقع ناشی از قرارداد پایه است و نه رابطه اسنادی به‌معنای خاص و در خود اعتبار اسنادی، بین متقاضی و ذی‌نفع رابطه قراردادی وجود ندارد (آقایی‌فر، ۱۳۷۷: ۳۸). پس بانک با اشخاص، تنها به اعتبار متقاضی و ذی‌نفع بودن رابطه دارد و نه به اعتبار خریدار و فروشنده بودن و در عقد پایه نیز بانک طرف قرارداد نیست و همچنین در اعتبار اسنادی، هیچ رابطه مستقیمی بین متقاضی و ذی‌نفع وجود ندارد (67: Rooy, Frans, 1984 - 68).

بانکی که خود را وارد گردونه اعتبارات اسنادی می‌کند، فقط با یک مسئله سروکار دارد و آن این است که آیا اسنادی که به‌وسیله فروشنده تسلیم می‌شوند، با دستوراتی که خریدار در متن اعتبار مشخص کرده است، مطابقت دارد یا خیر. از همین رو گفته می‌شود که معامله اعتبار اسنادی، معامله اسناد است و اینکه قرارداد اصلی راجع به فروش ماشین باشد یا مواد اولیه و... هیچ ارتباطی به بانک ندارد (اخلاقی، ۱۳۵۸: ۲۴).

* برای مطالعه متن کامل مقررات متحدالشکل UCP ر.ک: حبیب‌اله محمدی و دیگران (ترجمه)، راهنمای تکمیل فرمها و اصول اعتبارات اسنادی، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، چاپ چهارم، ۱۳۸۰، ص ۷۷ به بعد.

مسئله‌ای که در خصوص روابط حقوقی بین متقاضی و ذی‌نفع قابل بررسی است اینکه آیا گشایش اعتبار، به‌منزله پرداخت و انجام تعهد مندرج در قرارداد پایه است یا خیر؟ اگر نظر بر آن داشته باشیم که گشایش اعتبار به‌منزله پرداخت است، باید به این نتیجه ملتزم شد که با گشایش اعتبار، خریدار تعهد خود در خصوص پرداخت را انجام داده است و زائد بر آن، تکلیفی ندارد و فروشنده (ذی‌نفع) نیز فقط حق دارد از طریق اعتبار، به ثمن و طلب خود دست یابد و حق رجوع مستقیم به خریدار را ندارد. ولی اگر قائل به این باشیم که اعتبار، ابزاری برای پرداخت است و نه خود پرداخت، در چنین حالتی وضع متفاوت خواهد بود. حقوقدانان در خصوص اسناد تجاری این موضوع را مطرح کرده‌اند و از همان پاسخ می‌توان در خصوص اعتبار اسنادی نیز استفاده کرد و اظهار داشت که اعتبار اسنادی وسیله پرداخت است و نه خود پرداخت، مگر آنکه در قرارداد خلاف آن تصریح شده باشد. بنابراین با عدم شرط خلاف، در اصل، اعتبار از وسایل پرداخت است و نه خود پرداخت. بنابراین، اگر فروشنده تمام تعهدات قراردادی خود را انجام دهد، ولی در مهلت مقرر قادر به ارائه اسناد نشود، در این صورت اگر بپذیریم که خریدار با گشایش اعتبار اسنادی به تعهد خود مبنی بر پرداخت عمل کرده است و فروشنده فقط با استفاده از آن اعتبار است که قادر به وصول بهای معامله است، خریدار امتیازی به دست می‌آورد که مستحق آن نیست و فروشنده متحمل ضرر و زیان می‌شود.

اثر دیگر بحث پیش‌گفته را می‌توان در مورد ورشکستگی بانک صادرکننده بررسی کرد. در صورتی که بانک صادرکننده ورشکسته شود، متقاضی و ذی‌نفع هر دو متضرر می‌شوند. زیرا متقاضی (خریدار) موقع گشایش اعتبار، مبلغ اعتبار را در اختیار بانک گذاشته است و یا ممکن است معادل مبلغ اعتبار در حساب بانکی اش مسدود شده باشد که در این حالت حق استفاده از آن را ندارد و از طرفی، فروشنده هم نمی‌تواند با ارائه اسناد، وجهی را به‌دست آورد. حال می‌خواهیم بدانیم صرف‌نظر از مقررات ورشکستگی، این ضرر بر عهده کیست. اگر قائل به آن باشیم که گشایش اعتبار به‌منزله پرداخت است و با گشایش اعتبار، مالکیت محل به فروشنده منتقل می‌شود، در این صورت باید قائل بر آن بود که خریدار به تعهدش عمل کرده است و مسئولیتی ندارد،

پس ضرر و زیان را مشتری باید تحمل کند. ولی دانستیم که گشایش اعتبار، پرداخت تلقی نمی‌شود و در نتیجه به صرف گشایش اعتبار، محل به فروشنده (ذی‌نفع) منتقل نمی‌شود. برای پاسخ به سؤال پیش‌گفته، صرف‌نظر از مقررات ورشکستگی و انتقال محل اعتبار، باید بین دو حالت قائل به تفکیک شد: حالت اول، در صورتی است که متقاضی بانک را انتخاب کرده باشد که در این مورد از آنجا که خود وی در انتخاب صحیح و درست بانک قصور ورزیده است، پس خود متقاضی باید ضرر ناشی از ورشکستگی بانک را تحمل کند. در ضمن، گفتیم که صرف گشایش اعتبار به‌منزله پرداخت نیست، بنابراین خریدار باید وجه ثمن را به فروشنده بپردازد. اما حالت دوم، در جایی است که فروشنده از خریدار می‌خواهد که در بانک معینی گشایش اعتبار کند که در این حالت، فروشنده باید خطر ناشی از ورشکستگی بانک را تقبل کند و فروشنده است که باید پای‌بند آثار و نتایج انتخاب نادرست خود باشد.

ب-۲. روابط متقاضی و بانک صادرکننده

رابطه بین متقاضی و بانک صادرکننده را می‌توان قرارداد اعتباری به‌معنای خاص نامید که این قرارداد، روابط حقوقی آنها را مشخص می‌کند. متقاضی برای اجرای تعهدات خود در قرارداد پایه، دستوراتی مبنی بر گشایش اعتبار به بانک می‌دهد و در صورت قبول بانک، قراردادی به‌وجود می‌آید که اعتبار اسنادی در معنای خاص، به این قرارداد اطلاق می‌شود و حقوق و تکالیف طرفین اعتبار اسنادی تا آنجا که به این بخش مربوط است و حقوق و تکالیف بانک و متقاضی از این قرارداد نشأت می‌گیرد. روابط حقوقی متقاضی و بانک صادرکننده را در ضمن دو قسمت جداگانه، شامل تکالیف متقاضی و تکالیف بانک صادرکننده بررسی می‌کنیم.

بند اول: تکالیف متقاضی در برابر بانک صادرکننده

تکالیف متقاضی در برابر بانک صادرکننده را می‌توان به صورت ذیل احصا کرد:

۱. ارائه اطلاعات صریح: متقاضی مکلف است تمام اطلاعات مورد نیاز برای گشایش اعتبار را در اختیار بانک قرار دهد و دستورات نیز باید صریح و روشن باشد. در عمل، مشتری (متقاضی) به بانک مراجعه و فرم‌های مخصوص را پُر می‌کند و

مندرجات آن، حقوق و تکالیف طرفین را مشخص می‌کند. بنابراین، دستورات راجع به گشایش اعتبار، پرداخت وجه، اصلاح اعتبار و... باید صریح و روشن باشد و به‌طور مسلم در صورت ابهام، مأمور بانک از پیروی از آنها ناتوان خواهد بود. در قرارداد بین بانک و متقاضی، در فرم‌های مخصوص معمولاً موارد ذیل مشخص می‌شود:

- تعیین مقررات خاصی که ممکن است بر اعتبار حاکم باشد و نوع مقررات و موارد استثنا ذکر شود.

- نوع اعتبار (قابل برگشت و یا قابل انتقال و...) باید مشخص شود.

- اسناد لازم جهت پرداخت باید به‌طور صریح مشخص شوند و ذکر جزئیات اسناد حمل در این رابطه اهمیت بیشتری دارد.

- شرایط و نوع حمل را باید با توجه به مقررات incoterms مشخص کرد.

- وضعیت بیمه کالا و شرایط بیمه و ارائه بیمه‌نامه به بانک برای وصول وجه.

- هر اعتباری دارای سررسیدی است که پس از آن، تعهد بانک پایان می‌پذیرد، بنابراین لازم است این سررسید در قرارداد مشخص شود.

۲. وثیقه گذاردن کالا: پس از اینکه بانک مبلغ اعتبار را به ذی‌نفع (فروشنده) پرداخت

کرد، حق دارد مبلغ پرداخت شده را از متقاضی (خریدار) دریافت کند. از این رو، بانک صادرکننده وضعیت فردی و اجتماعی متقاضی را به‌طور کامل بررسی می‌کند و بانک‌ها معمولاً مقرر می‌دارند که جهت تأمین مبلغ اعتبار، متقاضی، درصدی از آن را به‌صورت سپرده نزد بانک واریز کند و به‌علاوه، کالای موضوع اعتبار نیز به‌موجب قراردادی مقدماتی وثیقه مطالبات بانک قرار می‌گیرد. در نتیجه، بانک نسبت به کالای حمل شده حق وثیقه دارد و چنانچه خریدار برای واریز مبلغ اعتبار اقدام نکند، بانک با برخورداری از حق وثیقه می‌تواند اقدام به فروش کالا کند و با استفاده از حق ممتاز خود، مطالبات خود را از محل فروش کالا وصول کند. البته در حقوق ایران، با توجه به آنکه در تحقق عقد رهن، قبض شرط است، به‌طور مسلم در زمان انعقاد قرارداد فرعی وثیقه، قبض ممکن نیست؛ بنابراین قرارداد مزبور در حقوق ایران نه در قالب عقد رهن، بلکه به‌عنوان عقدی غیرمعیّن و مشمول ماده ۱۰ ق.م. قابل پذیرش است. علاوه بر تضمین از راه وثیقه دادن مال موضوع قرارداد اصلی، گاهی اوقات مشتری ملزم می‌شود هنگام گشایش اعتبار، معادل مبلغ اعتبار، وجه نقد تودیع کند یا معادل آن، مالی تقویم شده غیر از مال موضوع

قرارداد اصلی بسپارد. همچنین، گاهی به جای تودیع وجه نقد یا وثیقه، بانک هنگام گشایش اعتبار، حساب مشتری را تا مبلغ اعتبار مسدود می‌کند و گاهی نیز اسناد مربوط به اعتبار، نزد بانک، وثیقه وصول طلب قرار می‌گیرد.

۳. پرداخت کارمزد: در اصل، متقاضی اعتبار مسئول پرداخت هزینه‌هایی است که در رابطه با اعتبار ایجاد می‌شود. کارمزد پرداخت شده توسط متقاضی، به عنوان عوض خدمات ارائه شده برای در دسترس گذاردن مبلغ اعتبار و انجام کارشناسی جهت تحقق معامله مزبور است. همچنین، متقاضی باید در صورت عدم شرط مخالف، مخارج ابلاغ را بپردازد.

۴. بازپرداخت وجه به بانک: پس از تحقق و تشکیل قرارداد اعتبار و پس از آنکه فروشنده به بانک مراجعه کرد و با ارائه اسناد و مدارک، وجه را وصول کرد، در این صورت متقاضی موظف است مبلغ پرداختی به علاوه سود متناسب با مدت زمان پرداخت توسط متقاضی را به بانک مسترد کند. در عمل، چنانچه متقاضی در بانک مذکور حساب داشته باشد، بانک مبلغ پرداخت شده را از حساب وی کسر و برداشت می‌کند.

بند دوم: تکالیف بانک صادرکننده در برابر متقاضی

متقاضی نیز حقوقی نسبت به بانک دارد که این موارد و به عبارت دیگر، تکالیف بانک از قرار ذیل می‌باشد:

۱. گشایش اعتبار: همین که بانک دستورات لازم را در خصوص گشایش اعتبار اسنادی کسب کرد، حتی الامکان باید در اسرع وقت نسبت به گشایش اعتبار اقدام کند و گشایش اعتبار را به ذی‌نفع ابلاغ کند. برحسب دستورات متقاضی، ممکن است خود بانک صادرکننده، گشایش اعتبار را به ذی‌نفع ابلاغ کند و یا به احتمال بیشتر، از بانک کارگزار در کشور ذی‌نفع برای این امر استفاده کند. در عین حال لازم به ذکر است، تعهد بانک به گشایش اعتبار، تعهد به وسیله است. بنابراین اگر بانک صادرکننده پس از برداشت گام‌های مقتضی موفق به گشایش اعتبار نشود و در نهایت به متقاضی اعلام کند که موفق به گشایش اعتبار نشده است، به تکلیف خود عمل کرده است. به عنوان مثال، ممکن است که وضعیت اجتماعی و تجاری ذی‌نفع به صورتی باشد که هیچ بانکی در کشور او حاضر به ابلاغ اعتبار و یا تأیید اعتبار نباشد.

۲. پیروی از دستورات متقاضی: در مبحث قبل ذکر شد که متقاضی ملزم است تا دستورات صریح و لازم را به بانک ارائه دهد و در مقابل این الزام نیز بانک ملزم به اطاعت دقیق از دستورات است و در گشایش اعتبار و پرداخت وجه و... باید دستورات متقاضی را رعایت کند. در همین راستا بانک موظف به رعایت دقیق مطابقت اسناد و مدارک با دستورات و شرایط مقرر توسط متقاضی در حدود عرف بانکداری است.

۳. تکلیف بانک پس از انقضای مدت اعتبار: اگر مدت اعتبار منقضی شود و ذی نفع از آن استفاده نکرده باشد، بانک مکلف است مبلغ سپرده شده بابت گشایش اعتبار را به متقاضی برگرداند یا اگر حساب مشتری را مسدود کرده است آن را به جریان اندازد و وثایق اخذ شده را آزاد کند.

ب- ۳. روابط ذی نفع با بانکها

در این مبحث در ضمن دو قسمت، به بررسی روابط ذی نفع با بانک صادرکننده و همچنین روابط ذی نفع با بانک کارگزار خواهیم پرداخت.

بند اول: روابط ذی نفع و بانک صادرکننده

با گشایش اعتبار اسنادی، بانک صادرکننده ملزم می شود وجه اعتبار را در اختیار ذی نفعی قرار دهد که اسناد را مطابق قرارداد ارائه کرده است، در حالی که هیچ رابطه قراردادی میان بانک صادرکننده و ذی نفع وجود ندارد. در بررسی رابطه حقوقی بین بانک صادرکننده و ذی نفع، آنچه بیشترین اهمیت را دارد، بررسی مبنای این الزام است که در این مبحث به بررسی آن خواهیم پرداخت. ظاهراً ذی نفع و بانک صادرکننده هیچ رابطه ای با هم ندارند، زیرا تنها یک رابطه قراردادی میان ذی نفع و متقاضی وجود دارد و یک رابطه میان بانک صادرکننده و متقاضی که از اولی به عنوان قرارداد پایه یاد کردیم و دومی را نیز اعتبار اسنادی به معنای خاص نامیدیم. در خصوص مبنای رابطه میان ذی نفع و بانک صادرکننده نظرات مختلفی ممکن است ارائه شود که بعضی از آنها را به شرح ذیل بیان می کنیم (آقایی فر، ۱۳۷۷: ۷۴ به بعد):

۱. عقد ضمان: ممکن است چنین استدلال شود که اعتبار اسنادی عقدی است که در آن، بانک به ذی نفع تعهد می کند که الزامات خریدار را در صورتی که وی نتواند از

عهدۀ آن برآید، به انجام برساند. اما ایراداتی بر این نظریه وارد است. زیرا، اولاً: خصیصۀ بارز ضمان، تبعی و فرعی بودن آن است. اما در اعتبار اسنادی اگر ثابت شود که قرارداد پایه که علت تقاضای گشایش اعتبار بوده است باطل است، بر ایجاد اعتبار اسنادی هیچ اثری ندارد. از طرفی، در تشکیل عقد ضمان، ضامن و مضمون له دخالت دارند و نیازی به دخالت مضمون عنه نیست، در حالی که در تشکیل اعتبارات اسنادی ذی نفع (مضمون له) دخالتی ندارد و فقط متقاضی و بانک صادرکننده طرفین آن هستند.

۲. **جعاله:** جعاله با آثاری کم و بیش مشابه، در اکثر نظام های حقوقی وجود دارد. ممکن است چنین استدلال شود که جعاله علاوه بر اینکه قابل انطباق بر روابط مشتری (متقاضی) و بانک است، بر روابط بانک و ذی نفع نیز قابل حمل خواهد بود. با این توضیح که مشتری به عنوان جاعل، بانک به عنوان عامل، گشایش اعتبار به عنوان عمل و پرداخت کارمزد به عنوان جعل قرار می گیرد. از طرف دیگر اینکه، بانک صادرکننده در مقام جاعل، ذی نفع در مقام عامل، ارائه اسناد در مقام عمل و دریافت مبلغ به عنوان جعل است. در این صورت ماهیت اعتبار، جعاله و انجام عمل در قبال دریافت کارمزد است. اما بر این نظر نیز ایراداتی وارد شده است. نخست آنکه، این عقیده برای آن دسته حقوقدانانی که قائل به ایقاع بودن جعاله هستند قابل قبول نخواهد بود، زیرا مسلم است که اعتبار اسنادی دو طرف دارد و عقد است. بنابراین، با توجه به آنکه در حقوق ایران اکثر حقوقدانان قائل به عقد بودن جعاله هستند (کاتوزیان، بهار ۸۱، یادداشت ۵، ماده ۵۶۱)، از این حیث ایرادی بر جعاله دانستن اعتبارات اسنادی وارد نیست، با این وجود به واسطه آنکه به استناد ماده ۵۶۵ ق.م. جعاله در زمره عقود جایز قرار دارد و اعتبار اسنادی عقدی لازم است، بنابراین، جعاله تلقی کردن عقد اعتبار اسنادی صحیح نیست.

۳. **وکالت:** ممکن است تعهد بانک صادرکننده در برابر ذی نفع، ناشی از وکالت شناخته شود و چنین استدلال شود که بانک صادرکننده وکیل متقاضی در پرداخت دین است. این توجیه نیز برای یافتن مبنای الزام بانک صادرکننده در برابر ذی نفع قابل قبول نیست. زیرا عقد وکالت، عقدی جایز است و حال آنکه اعتبار اسنادی عقدی لازم است. مقتضای جواز آن است که با فوت یا جنون احد از طرفین عقد فسخ شود که این امر

هماهنگی با مقتضای اعتبار اسنادی ندارد. از طرفی چنانچه تعهد بانک صادرکننده را ناشی از وکالت بدانیم، در این صورت بانک مذکور در هر زمانی قادر به عدم انجام تعهد و اعلان فسخ عقد خواهد بود، بدون آنکه ملزم به جبران هیچ‌گونه خسارت ناشی از عدم انجام تعهد باشد.

۴. **تعهد به نفع ثالث:** ممکن است چنین استدلال شود که اعتبار اسنادی که بین متقاضی و بانک صادرکننده منعقد می‌شود، در ضمن آن بانک در مقابل متقاضی تعهد به پرداخت اعتبار به ذی‌نفع در قبال ارائه اسناد و مدارک معین می‌کند. به عبارت دیگر، حق ذی‌نفع نسبت به مطالبه اعتبار، ناشی از تعهد بانک در مقابل متقاضی به نفع ثالث (ذی‌نفع) است. اگر بانک در قبال ارائه اسناد، مبلغ اعتبار را به ذی‌نفع نپردازد، در مقابل متقاضی تخلف کرده است و حتی مطابق رویه موجود در اکثر نظام‌های حقوقی، خود ذی‌نفع ثالث که شرط به نفع او است نیز می‌تواند انجام تعهد را از متعهد بخواهد. ایرادی که بر تعهد به نفع ثالث دانستن تعهد بانک وارد است آنکه، متقاضی و بانک باید بتوانند هر زمانی با اقاله عقد اصلی (اعتبار اسنادی) حق ثالث را از بین ببرند که این امر منافی اعتماد فروشنده (ذی‌نفع) به اعتبار اسنادی است.

۵. **اعتبار اسنادی به عنوان نهادی خاص:** نظرات و احتمالات پیش‌گفته و تدقیق در آنها نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از قالب‌های حقوقی نمی‌توانند تمام و کمال دربرگیرنده مفهوم اعتبار اسنادی و منشأ تعهد بانک در برابر ذی‌نفع باشند. هر تأسیس حقوقی، خصوصیات خود را دارد و اعتبار اسنادی نیز اعتبار اسنادی است. چنین عقدی زاده تحولات اقتصادی و تجاری جامعه بین‌الملل است و بهتر است برای تعیین حقوق و تکالیف طرفین، با کشف نیازی که نهاد اعتبار اسنادی از آن منبعث است، ماهیت این حقوق و تکالیف را دریابیم. حقوق حاکم بر اعتبارات اسنادی همان الزاماتی است که این ابزار در عمل ایجاد می‌کند و دو ویژگی مهم دارد که به عنوان دو اصل از آن یاد می‌شود: اول، اصل استقلال اعتبار اسنادی از روابط حقوقی پایه؛ دوم، اصل غیرقابل فسخ بودن تعهدات بانک که تمام وثیقه فروشنده در این معنا نهفته است (آقایی فر، همان: ۷۹).

ماهیت و کیفیت اعتبار اسنادی نوعی خدمات بانکی است که ماهیت آن به‌ویژه با توجه به پذیرش مقررات و رویه‌های متحدالشکل روشن است و نیازی به ایجاد قالب

حقوقی خاصی برای آن نیست و اعتبار اسنادی اعتبار اسنادی است و نه چیز دیگر (صیاد، ۱۳۷۰: ۵۶ و ۵۷). تعهد بانک در برابر ذی نفع نیز از همین نهاد خاص اعتبار اسنادی، یعنی از تعهد بانک در برابر متقاضی به نفع فروشنده ناشی می شود (تعهد به نفع ثالث)، ولی تفاوت آن با تعهد به نفع ثالث در آن است که در اعتبارات اسنادی متقاضی و بانک صادرکننده به طور ضمنی، حق فسخ قرارداد اعتبار اسنادی و همچنین حق فسخ تعهد به نفع ثالث را که همه تضمینات ذی نفع از آن نشأت می گیرد، اسقاط می کنند.

بند دوم: روابط بانک کارگزار با ذی نفع

از آنجا که ذی نفع و خریدار در دو کشور متفاوت سکونت دارند و متقاضی (خریدار) نیز معمولاً به بانکی در کشور خود دستور گشایش اعتبار اسنادی را می دهد، لازم می شود که از وجود بانک دیگری نیز بهره گرفته شود که از آن تحت عنوان بانک کارگزار یاد می شود که در این قسمت به بررسی رابطه بانک کارگزار و ذی نفع خواهیم پرداخت. بانک کارگزار حسب اینکه چه وظیفه ای را به عهده داشته باشد، با عنوان خاصی از قبیل بانک ابلاغ کننده، بانک تأیید کننده و... شناخته می شود که در ذیل به بررسی این موارد و رابطه آنها با ذی نفع می پردازیم.

۱. بانک کارگزار به عنوان بانک ابلاغ کننده: نقشی که بانک کارگزار بیشتر در صحنه تجارت بین الملل به عهده می گیرد، ابلاغ است. در چنین حالتی، بانک کارگزار تعهدی در برابر ذی نفع نپذیرفته است و تعهدی نسبت به واریز مبلغ یا قبول یا معامله اسنادی نخواهد داشت و تعهد پرداخت مبلغ اعتبار تنها بر عهده بانک صادرکننده است و معمولاً بانک ابلاغ کننده نیز هنگام ابلاغ، به این نکته تصریح می کند که مسئولیتی در قبال پرداخت وجه ندارد. در چنین مواردی بانک ابلاغ کننده فقط به عنوان نماینده بانک صادرکننده عمل می کند و فقط به همان اعتبار ممکن است طرف دعوی ذی نفع قرار گیرد.

حال سؤال این است که آیا ذی نفع می تواند علیه بانک ابلاغ کننده در صورتی که اعتبار را نادرست ابلاغ کند، ادعایی داشته باشد یا خیر؟ پاسخ آن است که بانک ابلاغ کننده در مسئولیت بانک صادرکننده مبنی بر پرداخت شریک نیست، اما از جهت تقصیر خود می تواند طرف دعوا قرار گیرد. در خصوص مسئولیت بانک ابلاغ کننده،

ماده ۷ مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی پیش‌بینی لازم را کرده است (محمدی و دیگران، ۱۳۸۰: ۸۰).

۲. بانک کارگزار به عنوان بانک تأییدکننده: چنانچه ابلاغ‌کننده، اعتبار را تأیید نکرده باشد، تعهدی نسبت به واریز مبلغ اعتبار و یا قبول و معامله اسناد نخواهد داشت و تعهد پرداخت اعتبار بر دوش صادرکننده است. ولی چنانچه بانک مذکور اعتبار را تأیید کرده باشد، همراه با بانک صادرکننده دارای مسئولیت تضامنی در پرداخت وجه اعتبار هستند (Andreas Karl, 2004: 20). بنابراین، در این حالت ذی‌نفع می‌تواند وجه اعتبار را از هرکدام که بخواهد، مطالبه کند. در خصوص مسئولیت بانک تأییدکننده، ماده ۹ رویه و مقررات متحدالشکل قابل ملاحظه است.

۳. بانک کارگزار به عنوان بانک وصول‌کننده اسناد: در صورتی که تنها وظیفه بانک کارگزار ابلاغ اعتبار باشد، ذی‌نفع می‌تواند از او بخواهد که با دریافت اسناد، مبلغ اعتبار را از جانب ذی‌نفع وصول کند. نقش بانک کارگزار در این حالت عوض شده و به صورت نماینده ذی‌نفع برای وصول وجه درمی‌آید.

۴. بانک کارگزار به عنوان بانک معامله‌کننده: ممکن است بانک کارگزار به دو گونه اسناد را معامله کند:

فرض اول که قبلاً نیز بیان شد، در جایی است که اعتبار توسط بانک کارگزار تأیید شده باشد که در چنین حالتی ملزم به معامله اسناد است، ولی اگر تأیید نکرده باشد، الزامی در معامله اسناد ندارد، حتی اگر عدم معامله اسناد به وسیله او منجر به نقض قرارداد میان صادرکننده و مشتری شود و موجبات مسئولیت صادرکننده را فراهم آورد. فرض دوم آنجاست که وظیفه وی طبق مفاد اعتبار فقط ابلاغ است، ولی اعتبار قابل معامله است و نظر ذی‌نفع آن است که با کارگزار معامله کند و کارگزار نیز موافقت می‌کند و بنابراین بانک کارگزار اسناد را از ذی‌نفع می‌خرد و بعداً به وصول آنها برای خود اقدام می‌کند و یا مجدداً آنها را به شخص دیگری انتقال می‌دهد. بانک کارگزار در این حالت، اصالتاً از طرف خود عمل می‌کند.

۵. بانک کارگزار به عنوان بانک کارگزار صادرکننده: گاهی ممکن است بنا به دلایل اداری یا اقتصادی، بانک صادرکننده از بانک دیگری تقاضا کند که اعتباری به نام

خودش صادر کند. به عبارت دیگر، بانک دستورگیرنده (بانک کارگزار صادرکننده) جدای از بانکی که از آن دستور می‌گیرد (بانک صادرکننده اول) خود نیز صادرکننده به‌شمار می‌آید. در چنین شرایطی، حتی اگر در اعتبار آمده باشد که اعتبار به دستور بانک دیگری گشایش شده است، رابطه‌ای بین بانک دستوردهنده و ذی‌نفع به‌وجود نمی‌آید. در این صورت، فقط کارگزار است که در قبال ذی‌نفع مسئولیت دارد. رابطه بین بانک کارگزار صادرکننده و بانک دستوردهنده همانند رابطه بانک صادرکننده و متقاضی است.

ب-۴. روابط بین بانک‌ها

در قرارداد اعتبار اسنادی، با بانک صادرکننده، بانک ابلاغ‌کننده، بانک تأییدکننده و... سروکار داریم که در روابط بین بانک‌ها باید عمل آنها را در اصل با نمایندگی توجیه کرد. بنابراین اصل بر رابطه اصیل و نماینده بودن است و حقوق و تکالیف طرفین بر مبنای این اصل نشأت می‌گیرد. مثلاً در مواردی که بانک صادرکننده از بانک کارگزار می‌خواهد تا ابلاغ را انجام دهد، در چنین موردی رابطه بین دو بانک مذکور، رابطه نمایندگی است و بانک ابلاغ‌کننده به نمایندگی از بانک صادرکننده وظیفه ابلاغ را انجام می‌دهد.

بانک کارگزار، به‌عنوان نماینده بانک صادرکننده عمل می‌کند، مگر در صورتی که بانک صادرکننده به‌طور صریح دستور داده باشد که بانک کارگزار، خود گشایش اعتبار کند که در این صورت رابطه بین آنها رابطه مشتری و بانک می‌شود.

نتیجه‌گیری

۱. امروزه در تجارت بین‌الملل، اعتبار اسنادی به‌عنوان یکی از بهترین شیوه‌های پرداخت تلقی می‌شود و با تمایلات طرفین قرارداد سازگار است، زیرا از طرفی، خریدار (متقاضی) مطمئن است تا زمانی که کالاها ارسال نشده است ثمن را نخواهد پرداخت و از طرف دیگر نیز فروشنده (ذی‌نفع) مطمئن است که به محض ارائه و تسلیم اسناد، اعتبار را وصول خواهد کرد.

۲. خریدار و فروشنده، در قرارداد پایه شرط می‌کنند که خریدار با مداخله شخص ثالث، یعنی بانک صادرکننده، اعتباری را با شرایط خاص گشایش دهد. چنین شرطی از لحاظ حقوقی، شرط فعل ناظر بر انجام عمل حقوقی است.
۳. اختلاف خریدار و فروشنده در قرارداد پایه نمی‌تواند در قرارداد اعتباری اسناد تأثیر گذارد و بانکی که وارد گردونه اعتبار اسنادی شده است، فقط با این مسئله سروکار دارد که آیا اسناد ارائه شده مطابق شرایط اعتبار است یا خیر؟ از قاعده مذکور به‌عنوان اصل استقلال اعتبار اسنادی از قرارداد پایه یاد می‌شود.
۴. گشایش اعتبار اسنادی، به‌منزله پرداخت تلقی نمی‌شود، بلکه یک روش پرداخت است، مگر آنکه خلاف آن تصریح شود.
۵. در واقع، روابط حقوقی متقاضی و ذی‌نفع را قرارداد پایه که منشأ اعتبار اسنادی است، مشخص می‌کند و قرارداد اعتبار اسنادی به‌معنای خاص، بین بانک و متقاضی منعقد می‌شود.
۶. از جمله تکالیف متقاضی در مقابل بانک صادرکننده، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- الف. ارائه اطلاعات صریح و روشن به بانک؛
 - ب. وثیقه گذراندن؛
 - ج. پرداخت کارمزد؛
 - د. بازپرداخت وجه به بانک.
۷. از جمله تکالیف بانک صادرکننده در مقابل متقاضی، می‌توان به تعهد به گشایش اعتبار و همچنین تعهد به پیروی از دستورات متقاضی اشاره کرد.
۸. در رابطه بین بانک صادرکننده و ذی‌نفع، برای بیان مبنای الزام بانک صادرکننده به پرداخت، توجیهاتی از سوی حقوقدانان ارائه شده است. بعضی حقوقدانان، مبنای الزام بانک صادرکننده را با عقود ضمان، جعاله، وکالت و یا حتی تعهد به نفع ثالث توجیه کرده‌اند که بر همه آنها ایراداتی وارد شده است. حقیقت امر آن است که اعتبار اسنادی، اعتبار اسنادی است و نه چیز دیگر و آثار آن و حقوق و تکالیف طرفین را باید با توجه به واقعیت‌ها، نیازها و شرایط قراردادی و عرف حاکم بر آنها بررسی کرد. متقاضی و بانک صادرکننده، به‌طور ضمنی حق فسخ قرارداد اعتبار اسنادی را که تمام

تضمینات ذی‌نفع از آن نشأت می‌گیرد، اسقاط می‌کنند.

۹. بانک کارگزار ممکن است وظایف گوناگونی را به‌عهده گیرد که بر همین اساس به چند قسم ذیل تقسیم می‌شود: بانک ابلاغ‌کننده، بانک تأییدکننده، بانک وصول‌کننده، بانک معامله‌کننده اسناد و بانک کارگزار صادرکننده.

۱۰. در خصوص روابط بین بانک‌های کارگزار و ذی‌نفع و نیز روابط بانک‌ها با یکدیگر، در واقع ماهیت روابط مذکور و وضعیت حقوق و تکالیف طرفین بر مبنای نظریه نمایندگی توجیه می‌شود مگر آنکه با توجه به مطالب مندرج در مقاله، خلاف آن ثابت شود. بانک‌ها عموماً به سه طریق اقدام می‌کنند: یا به‌عنوان اصیل، یا نماینده بانک صادرکننده و یا نماینده ذی‌نفع.

منابع

أ. فارسی

۱. آقایی فر، حسن. ۱۳۷۷. روابط طرفین اعتباری اسناد. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.
۲. اخلاقی، بهروز. ۱۳۵۸. «بحثی پیرامون اعتبارات اسنادی». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. ش ۲۱.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ۱۳۸۱. ترمینولوژی حقوق. گنج دانش. چاپ یازدهم.
۴. ریچار جی، دریس کول. ۱۳۶۳. «نقش اعتبارنامه‌های تضمینی در تجارت بین‌الملل». مجله حقوقی. ترجمه محسن محبی. ش ۱.
۵. زمانی فراهانی، مجتبی. ۱۳۸۳. اعتبارات اسنادی و مسائل بانکی. انتشارات ترمه. چاپ دوم.
۶. سازمان صنایع ملی ایران. ۱۳۶۱. مدیریت سفارشات خارجی.
۷. سماواتی، حشمت‌الله. ۱۳۸۲. حقوق معاملات بین‌المللی. تهران: انتشارات ققنوس. چاپ سوم.
۸. صفایی، سیدحسین و دیگران. ۱۳۸۴. حقوق بیع بین‌المللی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ اول.
۹. صیاد، لیندا. ۱۳۷۰. اعتبار اسنادی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
۱۰. کاتوزیان، ناصر. ۱۳۸۱. قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی. نشر میزان. چاپ ششم.
۱۱. محمدی، حبیب‌الله و دیگران (ترجمه). ۱۳۸۰. راهنمای تکمیل فرم‌ها و اصول اعتبارات اسنادی. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی. چاپ چهارم.
۱۲. مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی UCP 500 و UCP 600.

ب. لاتین

13. Karl, Andreas. 2004. *Letter of credit and the doctrine of strict compliance*. Thesis.
14. Rooy, Frans. 1984. *Documentary credit*. London.
15. *United nation convention on contracts for the international sale of goods*. available at: www.jus.uio.no/sisu.

